

حکم تجدید قبر و تصویر کشیدن جاندار

سؤال- در روایتی آمده: من جَدَد قَبِراً أَوْ مَثَلًا مَثَالاً فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ. (من لا يحضره الفقيه جلد ۱ صفحه ۱۸۹)- کسی که قبری را نوسازی کند یا صورت جاندار را بکشد از اسلام خارج شده. نظر حضرت عالی در خصوص روایت مذکور چیست؟

جواب- محمد تقی مجلسی در شرح فارسی من لا يحضره الفقيه جلد ۲ صفحه ۵۱۲ متن حدیث و شرح آن را از من لا يحضره الفقيه آورده است و اقوال در اختلاف کلمه: جَدَد، وی چنین می‌نویسد:

روایت کرده: احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سنان از ابو الجارود از اصبع بن نباته که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که: هر که تجدید کند قبر را یا مثالی بکشد یعنی صورتی از صور مجسمه یا اعم از مجسمه و غیر مجسمه بکشد و یا بسازد یا شخصی را مقتدا کند که حق سبحانه و تعالی او را امام و مقتدا نکرده باشد یا هر سه مراد باشد، پس از اسلام بیرون می‌رود، اما آخر که ظاهر است اما باقی بر هر تفسیری محمول بر مبالغه است یا اگر از روی مخالفت معصوم عمداً کند که در این صورت کافر می‌شود. و این حدیث به اصطلاح متأخرین ضعیف است اما نزد متقدمین صحیح است چون از کتاب اصبع بوده است و آن اول کتابی بود که شیعه تصنیف کردند و از جمله اصول است و مشایخ خلاف کرده‌اند در معنی خبر و لفظ آن اما صفار پس او به جیم می‌خوانده است و بس، و ابن ولید که استاد صدوق است و تلمیذ صفار از استاد خود روایت کرده است که جایز نیست تجدید و تازه کردن قبر و نه گل مالیدن بر آن بعد از آن که مدت‌ها گذشته باشد و در اول آن را گل مالیده باشند چون در عرف می‌گویند که تازه کرده است قبر را و لیکن اگر شخصی بمیرد و قبر او را گل بمالند جایز است که قبرهای دیگر را مرمت کنند بی آن که تجدید کنند و از نو بسازند و حکمتش آن است که اندراس قبور سبب رقت زایران است و آن سبب مرحمت صاحبان قبور. و ابن الولید از استاد دیگرش سعد بن عبد الله نقل کرده است که او به حای بی‌نقطه می‌خوانده است به آن که در نسخه او از کتاب اصبع نقطه نداشته است یا اگر نقطه داشته باشد ضبط آن نکرده بودند که از استادان شنیده باشند و نقطه کتاب را تجویز می‌کرده‌اند که از سهو نسخ باشد و بنا بر این تجدید به معنی تیز کردن است یعنی خر پشته ساختن و احادیث از رسول خدا و ائمه بسیار وارد شده است که نمی‌باید که قبر خر پشته باشد بلکه مسطح و چهار گوشه می‌باید و سنن از پسر ابو هریره نقل کرده‌اند که او گفته است در کتاب خود که اگر چه سنت آن است که مسطح و مربع باشد و لیکن چون شیعه چنین می‌کند سنتی علی رغم شیعه مُسنَم می‌کند تا قبر شیعه و سنی از یکدیگر امتیاز داشته باشد. و ابن ولید از برقی نقل کرده است که او من جدث می‌خوانده است و جدث بمعنی قبر است و نمی‌دانیم که مراد او چیست و مرادش ظاهر است که یعنی قبر را قبر کند که نبش قبر کند که میتی دیگر در آن بگذارد و لیکن قانون قدما نبوده است که از کسی تا مراد او را نشنوند بگویند که مراد او اینست و این را نشنیده بودند. و ابن ولید گفته است که آنچه اعتقاد من است آنست که جدَد به جیم است و معنی او نبش قبر است زیرا کسی که نبش قبر کند او را قبر کرده است و ما را محتاج گردانیده که آن را تازه کنیم پس ابن ولید لفظ صفار را اختیار کرده است و معنی برقی را.

و صدوق گفته است که من می‌گویم که تجدید به آن معنی که صفار گفته است و تجدید به حای مهمله که سعد خوانده است و جدث که برقی گفته است همه حق است به حسب واقع چون همه از حیثیت احادیث دیگر ثابت است و داخل است در معنی این حدیث چون ظن خوب به مشایخ مقتضی آن است که این معانی را ایشان از معصوم شنیده گفته باشند و هر که مخالفت امام کند از روی عناد و تازه کردن قبر و خرپشته

ساختن و شکافتن قبر و یکی از این‌ها را حلال داند پس از اسلام به در رفته است و اعتقاد من آن است که آن حضرت فرموده است که هر که مثالی بکشد یعنی بدعتی قرار بدهد و مردمان را به آن بدعت دعوت کند یا دینی وضع کند از اسلام بدر می‌رود و آنچه من می‌گویم از روی اخباری است که از ائمه هدی صلوات الله علیهم بمن رسیده است اگر درست گفته‌ام حقی است که حق سبحانه و تعالی بر زبان‌های ایشان جاری کرده است در ضمن اخبار و اگر خطا کرده‌ام از من شده است.

و احتمال دارد مرادش این باشد که چون ائمه هدی صلوات الله علیهم رخصت اجتهاد در حدیث داده‌اند و اجتهاد احتمال غلط دارد پس اگر حق گفته‌ام ایشان فرموده بودند پس آن حق از گفته ایشان است به حسب واقع و اگر خطا کرده باشم خطائی است که از من صادر شده است. و تاویل کلام صدوق به نحوی که ممکن بود کرده شد و صدوق به مراد خود اعلم است و الله العالم.

و شیخ مفید رضی الله عنه به خاء معجمه خوانده است، به معنی شکافتن قبر که میتی دیگر در آن بگذارند یا به واسطه دزدیدن کفن و غیر آن.

و شیخ طوسی رحمه الله گفته است که هر يك از این معانی محتمل است و حق سبحانه و تعالی اعلم است و کسی که خبر را فرموده است و این معنی حق است پس بنا بر گفته شیخ طوسی از چنین خبری که این‌همه احتمال در او رود و مضبوط نباشد عمل نتوان کرد اما چون در نسخ تهذیب و غیره چون خبر به عنوان جیم مضبوط است دور نیست که عمل به آن توان کرد که قائل شوند به کراهت تجدید و اما تسنیم پس ظاهر است که باطل است و احادیث ما در تربیع و مسطح کردن که خلاف تسنیم است مستفیض است. تمام شد شرح جامع مجلسی.

و به نظر می‌رسد که روایت مزبور تاویلی داشته باشد که آن را شیخ صدوق در کتاب دیگر خود کتاب معانی الأخبار: ص ۱۸۱ ح ۱ به سند خود از امام صادق علیه السلام آورده است. روایت نموده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده باشند: «مَنْ مَثَلَ مِثَالًا أَوْ افْتَنَى كَلْبًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ».

شخصی که مجسمه‌ای بسازد یا از سگی نگهداری کند از اسلام بیرون رفته است.

پس به حضرت گفته شد: بنابر این بسیاری از مردم هلاک گردیده‌اند؟! فرمود:

«لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبْتُمْ إِنَّمَا عَنِيتُ بِقَوْلِي: مَنْ مَثَلَ مِثَالًا مَنْ نَصَبَ دِينًا غَيْرَ دِينِ اللَّهِ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَيْهِ، وَ بِقَوْلِي مَنْ افْتَنَى كَلْبًا عَنِيتُ مُبْعِضًا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْتَنَاهُ فَأَطْعَمَهُ وَ سَقَاهُ، مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ».

چنان که شما پنداشته‌اید نیست، بلکه مقصود من از گفته‌ام (پیکره ساز) شخصی است که دین‌سازی کند، و غیر دین خدا آئین دیگری درست کند و مردم را به آن دعوت نماید، و مقصودم از شخصی که سگی نگهداری نماید کسی است که دشمن و کینه‌توز ما خاندان رسالت را نگهداری نماید و به او آب و غذا دهد، هر کس چنین کاری بکند از مرز اسلام خارج گشته است.
